



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

حوزه ریاست

اداره کتابخانه و مرکز اسناد

مقاله نامه

برنامه درسی (محتوی، عناصر)

(دهه ۹۰)

تهیه و تنظیم: آذردخت کوهستانی نژاد

بهار: ۹۹

۱. پرسش های اساسی برنامه درسی با تاکید بر دیدگاه شوآب

سعید مذبوحی، محسن حاجی تبار فیروزجایی*، بدرالسادات دانشمند

فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، پیاپی ۵۸ (پاییز ۱۳۹۷)، صص ۱-۱۷

فواید طرح سوالات در حوزه برنامه درسی کدام اند؟ و سوالات اساسی حوزه برنامه درسی کدام اند؟ دو پرسشی است که این تحقیق با هدف پاسخگویی به آن ها به روش توصیفی، تحلیلی و استنتاجی صورت پذیرفته است. در پاسخگویی به این پرسش از دیدگاه شوآب برای ارائه طرحی از سوالات در مورد ماهیت، عناصر و عمل برنامه درسی استفاده می شود. همچنین در پرتو این طرح، سوالات تدوین شده سایر نظریه پردازان برنامه درسی مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد و کاربردهای گوناگون این سوالات توضیح داده می شود. معیار نهایی در سودمندی این سوالات اثبات این موضوع است که چه قدر آن ها در افزایش تفکر و فعالیت در حوزه برنامه درسی تاثیر دارند. به نظر می رسد که پاسخ به این سوال نهایی آزمون همانند سایر سوالات در شرایط عمل به دست آید. نتایج تحلیل نشان داد از طرح سوالات می توان برای درک، ساخت و اجرا برنامه درسی استفاده کرد.

کلید واژگان: سوالات برنامه درسی، مشکلات برنامه درسی، ماهیت برنامه درسی، عناصر برنامه درسی، عمل برنامه درسی

۲. تحلیل الگوی برنامه درسی غیرمتمرکز در کشورهای منتخب به منظور ارائه الگوی

پیشنهادی برای آموزش ابتدایی ایران

زهره سعادت‌مند*، محمد یاسین دادکانی، جهان بخش رحمانی

فصلنامه توسعه ی آموزش جندی شاپور، سال نهم شماره ۲ (پیاپی ۲۵، تابستان ۱۳۹۷)، صص ۱۱۰-۱۱۹

این تحقیق با هدف طراحی برنامه درسی غیرمتمرکز آموزش ابتدایی ایران انجام شده است. روش تحقیق کیفی از نوع تحلیل محتوا مقوله بندی قیاسی می باشد. طراحی عناصر برنامه درسی استخراج شده بر اساس الگو گیری از عناصر برنامه درسی کلاین انجام شده با این تفاوت که کلاین عناصر برنامه درسی را به ۹ عنصر تقسیم نموده اما محقق از بین عناصر نه گانه کلاین، مبنای طراحی الگوی پیشنهادی خود را بر اساس ۴ عنصر اصلی (اهداف-محتوا-روش های یاددهی و یادگیری-ارزشیابی) قرار داده است. حوزه ی پژوهش شامل کلیه کتب و منابع نوشته شده در حوزه ی برنامه درسی غیرمتمرکز بوده که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. به دلیل کثرت و تنوع منابع چاپی و دیجیتال در دسترس محدوده ی سال

های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ استفاده شده است. ابزار جمع آوری اطلاعات و داده ها فیش ها و جداول محقق ساخته است. برای روایی ابزار از نظرات اساتید راهنما و مشاور و صاحب نظران برنامه درسی استفاده شد. پس از اعلام نظرات، تجدید نظر لازم انجام و چارچوب های نهایی تدوین شد. برای افزایش اعتبار؛ در تهیه فیش ها حداکثر دقت مدنظر قرار گرفت. در بخش کیفی از ۴۶۷ کدمفهوم استخراج شده، ۲۳ مولفه اصلی به دست آمد که در تدوین و ارائه ی مدل برنامه درسی غیرمتمرکز از آن ها استفاده شد. تحقیق حاضر به عنوان یک مدل برنامه درسی غیرمتمرکز آموزش ابتدایی ایران برای برنامه ریزان برنامه درسی و مسئولین که گام هایی برای تفویض اختیارات بیشتر به استان ها برداشته اند مفید و موثر است.

کلید واژگان: برنامه درسی، برنامه درسی غیرمتمرکز، عناصر برنامه درسی، آموزش ابتدایی

۳. بررسی عناصر برنامه درسی میان رشته ای و تبیین اصول اساسی مرتبط با آن

اعظم علیزاده، فاطمه فیروزآبادی

نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره ۳۵ (۱۳۹۵)، ص ۵

در شرایط کنونی، مهمترین رشد و توسعه حوزه برنامه ریزی درسی مربوط به تغییر پارادایم و رویکردهای برنامه درسی و تولید عرصه های جدید است. برخی متخصصان تعلیم و تربیت بر این باور هستند که دستیابی به اهداف سطوح عالی یادگیری در برنامه های درسی متداول سنتی کمتر میسر است و این امکان، از طریق برنامه درسی میان رشته ای فراهم می شود. برنامه درسی میان رشته ای نگرشی به دانش و رویکردی به برنامه درسی است که به طور آگاهانه روش شناسی و زبان گفتمانی بیش از یک رشته علمی را برای بررسی یک موضوع، مسئله، عنوان، مشکل یا تجربه محوری بکار می گیرد.

با توجه به نوین بودن نسبی رویکرد میان رشته ای در ایران، نوشتار حاضر با روش اسنادی و با استناد به منابع موجود به بررسی عناصر اساسی برنامه درسی میان رشته ای یعنی هدف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی پرداخته و در جهت تبیین و استخراج اصول اساسی مربوط به این عناصر تلاش نموده است. عناصر برنامه درسی میان رشته ای به دلیل شاخصه مهم تلفیق رشته ها و کار گروهی، متفاوت از برنامه درسی سنتی هستند و اصول استخراج شده از این عناصر ویژگی اختصاصی این رویکرد برنامه درسی می باشد. کلید واژگان: برنامه درسی میان رشته ای، عناصر برنامه درسی، اصول اساسی برنامه درسی

۴ - جستاری در طراحی الگوی مفهومی برنامه درسی: رویکردی سنتز پژوهانه

محمدحیدر یعقوبی*، مجید علی عسگری، عفت عباسی، زهرا نیکنام

نشریه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، سال دوازدهم شماره ۱ (پیاپی ۵۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸)، صص ۹۲-۱۰۱

مقدمه

اهمیت و ضرورت طراحی الگوی مفهومی برنامه درسی از مسائل مهم نظام آموزشی یک کشور است. با توجه به وضعیت نظام آموزشی موجود که بتوان از یک الگوی مفهومی جامع در همه سطوح و پایه ها برای طراحی و تدوین یک برنامه درسی استفاده کرد وجود ندارد؛ لذا این پژوهش بنادارد که یک الگوی مفهومی برنامه درسی جامع ارائه نماید.

روش کار

در این تحقیق از روش پژوهش کیفی و از نوع سنتز پژوهی که یکی از روش های تحقیق در برنامه درسی است؛ استفاده شده است. سه مرحله اصلی در این روش مورد استفاده قرار گرفته است. منابع مورد مطالعه، تمام کتاب ها و سایر منابعی است که در طراحی الگوی مفهومی تاثیر دارد استفاده شده است.

یافته ها

در این پژوهش تعاریف برنامه درسی، سطوح آن، نقش تصمیم گیرندگان و مراحل برنامه درسی (طراحی، اجرا و ارزشیابی) که با توجه به سوالات تحقیق بوده مورد بررسی قرار گرفته است. به هر یک از کلیدواژه ها و نقش آن در طراحی الگوی مفهومی برنامه درسی پرداخته شده است.

نتیجه گیری

در پایان، یک الگوی مفهومی برنامه درسی طراحی شده است که در آن تمامی عناصر و مولفه های مهم یک الگوی برنامه درسی، بررسی شده است. از سویی کاربرد این الگو برای تمامی دوره های رسمی و غیررسمی، بلندمدت و کوتاه مدت و ثابت و متغیر، با توجه به استفاده برای مخاطبین عمومی و خاص وجود دارد.

کلید واژگان: الگوی مفهومی، سطوح برنامه درسی، تصمیم گیرندگان برنامه درسی، طراحی برنامه درسی، اجرای برنامه درسی، ارزشیابی برنامه درسی

۵. ارزیابی برنامه درسی ملی تدوین شده جمهوری اسلامی ایران بر اساس ملاک های

برگرفته از دانش نظری حوزه مطالعات برنامه درسی

نادر سلسبیلی

فصلنامه مطالعات برنامه درسی، پیاپی ۴۱ (تابستان ۱۳۹۵)، ص ۶۵

در این مقاله کوشش بر آن بوده است تا تحلیل و ارزیابی نقادانه برنامه درسی ملی تدوین شده جمهوری اسلامی ایران با توجه به ملاکهای برگرفته از دانش نظری حوزه مطالعات برنامه درسی با تاکید بر مباحث دیدگاه های برنامه درسی و برنامه درسی ملی، به منظور شناخت تفاوتها، انحرافها و کاستی های سند برنامه درسی ملی تدوین شده انجام پذیرد و توصیه هایی جهت بازنگری آن حاصل آید. پژوهش از نظر ماهوی در گروه «پژوهش ارزشیابی» قرار میگیرد و از نظر نوع پژوهش، «کاربردی» محسوب میگردد. بررسی و ارزیابی انجام شده با توجه به ملاکهای مورد نظر پژوهش در قالب شش مولفه تشکیل دهنده ۱- هدفها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی، ۲- برداشت ها و مفهوم سازی ها از برنامه درسی ملی، ۳- الزامات قبلی، زمینهای سازی ها، شرایط پذیرش، ۴- ویژگی های ساختاری و اجرایی، ۵- توجه به برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه و ۶- توجه به حوزه دیدگاه های برنامه درسی صورت گرفته است و به دو سوال ویژه در نظر گرفته شده پژوهش پاسخ داده شده است.

کلید واژگان: کلیدواژه ها: سند برنامه درسی ملی تدوین شده جمهوری اسلامی، دیدگاه های برنامه درسی، مطالعات برنامه درسی، ملاک های ارزیابی برنامه درسی ملی

۶. شناسایی سبک های یادگیری: بازنگری در طراحی برنامه درسی نظام آموزشی فنی و

حرفه ای

علی غنایی، اعظم محمدزاده قصر*، حمیده پاکمهر، الهه حجار

فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، پیاپی ۴۱ (تابستان ۱۳۹۳)، صص ۱-۱۱

مطالعه حاضر با هدف بررسی سبک های یادگیری دانش آموزان پیرامون طراحی برنامه درسی نظام آموزشی فنی و حرفه ای صورت پذیرفت. روش مورد استفاده توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان فنی و حرفه ای شهر مشهد سال ۹۱-۱۳۹۰ هستند. بدین منظور، تعداد ۱۹۳ دانش آموز فنی و حرفه ای با استفاده از فرمول حجم نمونه و به شیوه نمونه گیری خوشه ایچند مرحله ای انتخاب و پرسشنامه سبک های یادگیری وارک را تکمیل نمودند که روایی و پایایی آن احراز شده بود. داده های حاصل با استفاده از شاخص های آمار توصیفی و آزمون های آماری تحلیل واریانس یک طرفه دورن آزمودنی ها، تحلیل واریانس چند متغیری، همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده تفسیر شدند. یافته ها نشان داد که

بین سبک های یادگیری دانش آموزان فنی و حرفه ای تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.001$) و سبک غالب گروه مورد بررسی سبک شنیداری است. دانش آموزان دختر به سبک دیداری و دانش آموزان پسر به سبک های خواندنی نوشتنی و شنیداری گرایش داشتند ($p < 0.05$) دانش آموزان پایه دوم به سبک دیداری و دانش آموزان پایه سوم به سبک های خواندنی نوشتنی و شنیداری گرایش داشتند ($p < 0.05$) و از بین سبک های یادگیری تنها بین سبک دیداری و موفقیت تحصیلی رابطه معناداری وجود داشت. به نظر می رسد با توجه به ماهیت رشته های فنی و حرفه ای و حاکمیت سبک شنیداری بر این نظام، عناصر برنامه های درسی نیاز به بازنگری داشته باشند.

کلید واژگان: سبک یادگیری، برنامه درسی، عناصر برنامه درسی، نظام فنی و حرفه ای

۷. طراحی الگوی تلفیقی برنامه درسی دوره متوسطه اول و اعتبارسنجی آن از منظر

متخصصان برنامه درسی و دبیران ذیربط

جمال مرادپور، عزت الله نادری، مریم سیف نراقی، علیرضا عصاره

نشریه تدریس پژوهی، سال ششم شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۷)، صص ۲۰۹-۲۳۷

هدف

پژوهش حاضر هدفی دوگانه دارد. نخست، شناسایی و استخراج مولفه های برنامه درسی تلفیقی و دوم، اعتبار سنجی الگوی نظری پیشنهادی از منظر متخصصان برنامه درسی و دبیران دوره متوسطه اول.

روش

این پژوهش با توجه به ماهیت ترکیبی و از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است که در انجام آن، از روش تحقیق زمینه ای بهره گرفته شده است. جامعه آماری شامل کلیه ی متخصصان برنامه درسی عضو ثابت انجمن مطالعات برنامه درسی ایران (۵۰۰ نفر) و دبیران دوره متوسطه اول که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به عنوان دبیر موظف به تدریس اشتغال دارند (۱۸۳۰۰۰ نفر). برای انتخاب نمونه هادرمورد متخصصان برنامه درسی با استفاده از روش نمونه گیری غیرتصادفی هدفمند ۳۵ نفر و در مورد دبیران با استفاده از روش خوشه ایچندمرحله ای و در نهایت با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند ۱۷۸ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسش نامه محقق ساخته بود که روایی آن از طریق روش دلفی و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ (۰/۸۹) در مورد کل پرسشنامه و بیش از (۰/۸۳) در مورد زیرگروه های مورد تایید قرار گرفته است.

یافته ها

تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها با استفاده از آزمون کای اسکوئر در آلفای ۰/۰۵ بیانگر آن است که اولاً براساس دیدگاه دو گروه مورد بررسی تمامی مولفه‌های مربوط به عناصر چهارگانه (جدول ۱) و الگوی نظری پیشنهادی (شکل ۱) مناسب و مطلوب بوده است. ثانیاً، دو گروه مورد بررسی در مورد معتبر بودن الگوی نظری برنامه درسی تلفیقی اتفاق نظر داشته‌اند.

کلید واژگان: برنامه درسی تلفیقی، الگوی برنامه درسی، دوره متوسطه اول

۸. ویژگی‌ها و ضرورت‌های تدوین برنامه درسی چند فرهنگی در ایران: بررسی چالش‌ها

و راهبردها

علیرضا صادقی

فصلنامه راهبرد فرهنگ، پیاپی ۱۷-۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، ص ۹۳

هدف این مقاله تدوین چارچوب‌های برنامه درسی متناسب با تنوع فرهنگی در ایران است. برنامه درسی اساساً یک سند سیاسی فرهنگی و مقوله‌ای زمینه‌مند و حساس به فرهنگ است و در صورتی اثربخش خواهد بود که عناصر تشکیل‌دهنده آن با ویژگی‌های فرهنگی جامعه و به تبع آن با ویژگی‌های فرهنگی یادگیرنده سازوار و متناسب باشد. این مقاله می‌کوشد بر مبنای روش توصیفی تحلیلی، ابتدا به بررسی وضعیت کنونی ایران از حیث تنوع فرهنگی و قومی پرداخته، سپس ضرورت طراحی برنامه‌های درسی چندفرهنگی را از دو بعد «فراملی» و «ملی» مستدل سازد. در مورد ضرورت‌های فراملی و جهانی چنین برنامه‌هایی، از جمله می‌توان به رویکرد «برنامه درسی چند فرهنگی» و «ضرورت‌های عصری» اشاره نمود. در مورد ضرورت‌های داخلی نیز در این مقاله به دو الزام «قوانین بالادستی» و «شرایط خاص سیاسی و جغرافیایی ایران» اشاره خواهد شد. در ادامه، ضمن تشریح اهداف برنامه درسی چندفرهنگی، چالش‌های تدوین چنین برنامه‌هایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان، راهبردهای عملی استقرار برنامه درسی چندفرهنگی، بر مبنای چالش‌های فرارو و نیز در راستای اسناد بالادستی کشور برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام تعلیم و تربیت ایران پیشنهاد شده است.

کلید واژگان: برنامه درسی، برنامه درسی چند فرهنگی، چالش‌ها، راهبردها

۹. برنامه درسی ملی: تجربه های جهانی چه می گویند؟

نادر سلسبیلی *

نشریه نظریه و عمل در برنامه درسی، پیاپی ۸ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، صص ۱۱۹-۱۵۸

مجموعه تجارب و برداشتها، روند ها و جوانب کوشش های صورت گرفته در حوزه برنامه درسی ملی در نظامهای آموزشی مورد هدف، شامل ده کشور در چهار قاره جهان در قالب شش مولفه زیر که در واقع ملاک ارزیابی و ترسیم تصویری از تجارب و برداشت های این نظامها از برنامه درسی ملی بوده است، مورد تحلیل و ارزیابی و جمع بندی قرار گرفته اند. مولفه های شش گانه ارزیابی شامل: ۱- هدفها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی، ۲- برداشتها و مفهوم سازی ها از برنامه درسی ملی، ۳- الزامات قبلی، زمینه سازی ها، شرایط پذیرش، ۴- ویژگی های ساختاری و اجرایی، ۵- توجه به برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روند های نوآورانه، ۶- توجه به حوزه دیدگاه های برنامه درسی، بوده است. مطالعه انجام شده، از نوع توصیفی و تحلیلی در حوزه برنامه درسی ملی است و از طریق بررسی نظری (تحلیل اسنادی کیفی) به قصد تحلیل و بازنمایی ویژگی های نظام های آموزشی جهانی مورد هدف باتوجه به ملاک های شش گانه، انجام شده است. با بررسی و تامل مجدد یافته های بدست آمده از جستجوگری در حوزه برنامه درسی ملی در نظامهای آموزشی مورد هدف، مقاله به جمع بندی و نتیجه گیری با توجه به مولفه های شش گانه پرداخته و توصیه هایی برای توجه به موضوع برنامه درسی ملی، ویژگی هدفها و عناصر آن، زمینه سازی ها و الزامات و ویژگی های ساختاری و روند های نوآورانه در تدوین آن، عرضه کرده است.

کلید واژگان: برنامه درسی ملی، تجارب نظامهای آموزشی جهانی، برداشت و مفهوم سازی برنامه درسی ملی، ارزیابی ویژگی های اساسی، برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، دیدگاه های برنامه درسی

۱۰. رهبری برنامه درسی، راهکاری موثر در تغییر و اجرای پویای برنامه های درسی

بابک سلمانی *، حسن ملکی، عباس عباس پور، رضوان حکیم زاده، محمدحسن امیرتیموری

نشریه تدریس پژوهی، سال ششم شماره ۴ (زمستان ۱۳۹۷)، صص ۱۰۶-۱۲۶

هدف

هدف پژوهش حاضر تشریح و شفاف سازی رهبری برنامه درسی به منظور ارائه دیدگاه ها و راهبردهایی برای تسهیل اجرا پویای برنامه های درسی ملی باشد.

پژوهش حاضر به روش کیفی از نوع پژوهش فلسفی و با استفاده از روش تحلیل مفهومی انجام یافته است. حوزه مطالعاتی پژوهش شامل کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات، مجلات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع بود. به علت وسعت و کثرت منابع، برای نمونه‌گیری از منابع چاپی و دیجیتالی (برخط) که مرتبط با بحث و در دسترس بود، استفاده گردید. در این پژوهش از فیش برداری جهت گردآوری اطلاعات از نمونه، بهره گرفته شد. روش تحلیل به شیوه تحلیل مفهوم، تفسیر مفهوم و استنتاج نظری بود.

یافته‌ها

نتایج نشان داد از طریق تشریح و تحلیل مفهوم رهبری برنامه درسی در چندین جنبه اصلی آن یعنی چیستی و ماهیت آن، قلمروهای کاری، نقش‌ها و ویژگی‌های رهبران برنامه درسی، سبک‌ها، سطوح، راهبردها و این‌که چه کسانی می‌توانند این نقش را برعهده گیرند، می‌توان تصویری روشن از آن ارائه نمود. هم‌چنین نتایج نشان داد به علت نیاز به اجرای بهینه برنامه‌های درسی جدید و کمتر نمودن فاصله برنامه درسی قصدشده و اجراشده، انجام پژوهش‌های علمی بیشتر در این حوزه می‌تواند استلزامات علمی و بومی وسیعی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان آموزشی قرار دهد

کلیدواژگان: اجرای برنامه درسی، رهبری برنامه درسی، ابعاد، عناصر

۱۱. ارزشیابی برنامه درسی ریاضی دوره ابتدایی: ارائه یک الگوی پیشنهادی

مهران عزیزی محمودآباد*، محمدرضا نیلی

فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، سال پانزدهم شماره ۲ (پیاپی ۵۸، تابستان ۱۳۹۸)، صص ۱۲۳-۱۴۶

ارزشیابی وضعیت برنامه درسی ریاضی به منظور بررسی میزان شایستگی و ارزش آن در تامین نیازهای فردی و اجتماعی امری ضروری است. نتایج مرور منابع در دسترس، نشان می‌دهد که تمرکز بیشتر ارزشیابی‌ها بر میزان توفیق برنامه‌ها بوده و کمتر به تعیین ارزش و شایستگی برنامه‌ها پرداخته شده است و این وضعیت در درس ریاضی هم کاملاً محسوس است. لذا در راستای پر کردن این خلا به ویژه ضرورت دستیابی به الگوهای ارزشیابی مبتنی بر شرایط بومی و فرهنگی، هدف این پژوهش تدوین الگوی ارزشیابی مناسب برنامه درسی ریاضی ابتدایی می‌باشد. روش پژوهش تفسیری یا به عبارتی بررسی و تحلیل نظری است. در این رابطه با توجه به ماهیت برنامه درسی ریاضی و مبانی فلسفی، اعتقادی و خط مشی‌های آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، وضعیت مطلوب عناصر سازنده برنامه یعنی ملاک‌ها استنباط شد و اساس طراحی الگوی ملاک محور قرار گرفت. این الگو از نظر شفافیت مفهومی، واقعی بودن، جذابیت

ساختاری و جنبه اقماعی مورد ارزیابی، اصلاح و سرانجام تایید ۱۶ نفر از متخصصان آموزش ریاضی و برنامه ریزی درسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد در الگوی ملاک محور پیشنهادی پس از تعیین سطح ارزشیابی برنامه درسی ریاضی باید به تعیین عناصر برنامه درسی و سپس موضوع مورد ارزشیابی در حوزه برنامه پرداخت و بر اساس ملاک های استخراج شده متناسب با حوزه عناصر برنامه درسی، نقاط اشتراک و افتراق برنامه با ملاک های ارزشیابی استخراج شده، بررسی و با بازخورد به مخاطبین به اصلاح و بازسازی برنامه پرداخت.

کلید واژگان: برنامه درسی ریاضی، ارزشیابی برنامه درسی، ملاک های ارزشیابی، الگوهای ارزشیابی

۱۲. رویکرد معنوی و برنامه ریزی درسی

علی قاسم پور دهاقانی، احمدرضا نصر اصفهانی

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پیاپی ۱۳ (زمستان ۱۳۹۰)، ص ۷۱

اگر چه پرورش همه ابعاد وجودی متربیبان وظیفه نظام های تربیتی است، اما ارزیابی برنامه های درسی نشان می دهد که در نظام های آموزشی، صرفا به بعد عقلانی فراگیران توجه می شود و سایر ابعاد وجودی خصوصا بعد روحانی و معنوی مورد غفلت قرار می گیرد. این درحالی است که طبق نظر متخصصان، پرورش جنبه های معنوی در تربی برای یافتن خویشتن خویش، امری فوری و حیاتی است. برنامه درسی معنوی به معنی پرورش جنبه های معنوی انسان از طریق فرایند آموزش فقط مرکب از زمینه های موضوعی نیست، بلکه مبتنی بر زمینه های نمادی، زمانی و جهانی قابل تامل است. این نوع برنامه درسی خواهان نیل به سطوح عالی آگاهی، معنی دار کردن زندگی و درک رابطه با وجود متعالی و تاثیرگذار بر زندگی است. هدف اصلی این مقاله، تبیین بعد معنوی انسان و برنامه درسی معنوی و تعیین استلزامات برای انتخاب رویکرد معنوی در تعلیم و تربیت است؛ لذا تلاش شده ضمن بحث از ماهیت معنویت و عوامل آن از دیدگاه صاحب نظران مختلف و نیز تشریح معنویت و نشانگرهای آن از نظر قرآن، عناصر الگوی برنامه درسی معنوی به گونه ای تبیین شود که با وضعیت و مبانی دین اسلام سازگار باشد.

کلید واژگان: معنویت، برنامه درسی معنوی، برنامه ریزی درسی و تعلیم و تربیت

۱۳ - ویژگی های برنامه های درسی در عصر جهانی شدن و بین المللی کردن برنامه درسی

رحیمه منصوری گرگر*، اکبر صالحی، عفت عباسی

فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، پیاپی ۵۰ (پاییز ۱۳۹۵)، صص ۱-۱۳

اگر جهانی شدن، فرآیندی در حال رخداد پنداشته شود که آگاهی در آن نقش اساسی دارد، آن گاه بازخوانی جهانی شدن و چگونگی طراحی برنامه های درسی برای افزایش آگاهی فراگیران درباره آن اهمیت می یابد. از سوی دیگر بین المللی کردن برنامه درسی مفهومی جدید و در حال تحول است که به ویژه از اوایل قرن بیست و یکم در ادبیات برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. علی رغم اهمیت و جایگاه چنین ایده ای، برداشت ها و تفسیرها از این واژه ها در بسیاری از ممالک به ویژه ایران توأم با ابهام، سردرگمی و عدم شفافیت است. مقاله حاضر در راستای بررسی این مفهوم در ادبیات برنامه درسی با استفاده از روش کتابخانه ای و از طریق بررسی مقالات پژوهشی و مروری از ژورنال ها و مجلات خارجی و داخلی در پایگاه های داده ای مختلف تلاش کرده تا برداشت های مختلف از این واژه ها را مفهوم پردازی کرده و نمونه ای از برنامه های درسی را در زمینه جهانی شدن و بین المللی کردن معرفی نماید. یافته ها نشان داد که بایستی میان جهانی شدن و بین المللی کردن برنامه های درسی تمایز قائل شد. اثرات واقعی تحولات ناشی از جهانی شدن و و بین المللی کردن برنامه درسی البته تحولات هم زمان با آن می بایست مورد توجه متخصصان آموزش و پرورش و البته برنامه ریزان درسی قرار گیرد. عناصر برنامه های درسی در این عصر تحت تاثیر تحولات یاد شده، از ویژگی هایی برخوردار می گردد که آن را از سایر برنامه های پیشین متمایز می سازد. این ویژگی ها در مورد عناصر اصلی برنامه شامل هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در این نوشته مورد اشاره قرار گرفت. همچنین لازم است براساس فرهنگ، زمینه و متن هر جامعه ای رویکردها و برنامه های خاص مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژگان: برنامه درسی، بین المللی کردن برنامه درسی، جهانی شدن

۱۴. بررسی جایگاه عناصر برنامه درسی در دیدگاه پست مدرن و نقد آن از دیدگاه مبانی تعلیم و

تربیت اسلامی

رضا وفايي، حسن ملكي، ميكائيل عليپور

فصلنامه پژوهش در مسائل تعليم و تربيت اسلامي، پيايي ۳۵ (تابستان ۱۳۹۶)، صص ۶۹-۹۰

اين پژوهش با هدف شناسايي و تحليل ويژگي ها و عناصر برنامه درسي مبتني بر نظريه پست مدرن و هم چنين نقد عناصر برنامه درسي آن با توجه به مباني تعليم و تربيت اسلامي با استفاده از روش تحليلي استنادي صورت گرفته است. بررسي برنامه درسي پست مدرنيسم نشان داد كه تعاملات پيچيده، تغييرات مداوم و چهارچوبهاي كل گرايانه از ويژگي هاي اين برنامه درسي است و آنان برنامه درسي را به لحاظ هدف، محتوا، روش و ارزشيابي متغير مي دانند. هم چنين نقد عناصر برنامه درسي پست مدرن از ديده نگاه مباني تعليم و تربيت اسلامي و برنامه درسي مبتني بر آن نشان داد كه در ديده نگاه برنامه درسي پست مدرن به جاي تاكيد بر هويت منسجم برنامه درسي بر دگرگوني تاكيد مي شود. اهداف آموزش و برنامه درسي، نسبي و متغير، و با توجه به اوضاع و موقعيت متغير است. محتوای برنامه درسي پست مدرن ثابت نمي ماند بلکه ممکن است بسته به خواست فرد و عرف در نوسان باشد و هم چنين در اين ديده نگاه صرفا فعاليتهاي يادگيري دانش آموز مهم تلقی، و معلم به عنوان عنصر تاثيرگذار در اين فرايند به حاشيه رانده مي شود و هيچ استاندارد مشخص و مدوني در ارزشيابي وجود ندارد.

کلید واژگان: نظريه هاي برنامه درسي، پست مدرنيسم، تعليم و تربيت اسلامي، عناصر برنامه درسي

۱۵. تحليل نظام مند آموزش چندفرهنگي در ايران

كتايون حميدي زاده*، كورش فتحي واجارگاه، محبوبه عارفي، گلنار مهران

فصلنامه پژوهش در نظام هاي آموزشي، پيايي ۴۲ (پايز ۱۳۹۷)، صص ۲۵-۳۸

پژوهش حاضر باهدف تحليل آموزش چندفرهنگي در ايران صورت گرفته است. به همين منظور از روش پژوهش تركيبی استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا در یک پژوهش کیفی معیارهای آموزش چندفرهنگی مطلوب استخراج شد که این معیارها در ۴ عنصر اصلی (هدف، محتوا، روش های تدریس، ارزشیابی) و ۹ عنصر فرعی و ۵۰ زیر محور از میان مصاحبه با صاحب نظران و معلمان برجسته در آموزش چندفرهنگی به دست آمدند. سپس معیارهای استخراج شده در یک پرسشنامه ی نظرسنجی قرار داده شدند

که روایی آن توسط ۵ نفر از متخصصان آموزش چندفرهنگی مورد تایید قرار گرفت. به وسیله ی این پرسشنامه فاصله ی میان وضعیت مطلوب آموزش چندفرهنگی و وضعیت موجود این آموزش در ایران سنجیده شد. بدین گونه که ۱۵۰ معلم مقطع متوسطه دوم در سال ۱۳۹۶ در استان مرکزی با روش نمونه گیری خوشه ای، ۶۰ کارشناس و مولف کتاب درسی مقطع متوسطه با روش نمونه گیری تصادفی و ۱۶ صاحب نظر تعلیم و تربیت چندفرهنگی با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده و به سوالات پرسشنامه پاسخ دادند. نتایج نشان می دهد که هر سه گروه معتقدند وضعیت برنامه ی درسی چندفرهنگی در ایران در هر ۴ عنصر اصلی و عناصر فرعی مورد بررسی نسبت به وضعیت مطلوب برنامه درسی چندفرهنگی از حد متوسط نیز پایین تر است؛ اما نظر معلمان و مولفین کتاب های درسی در ابعاد هدف، محتوا و روش تدریس متفاوت از متخصصان تعلیم و تربیت چندفرهنگی است. تحلیل داده ها نشان می دهد معلمان و مولفین کتاب های درسی مقطع متوسطه در ابعاد هدف، محتوا و روش تدریس نگرش مثبت تری به وضع موجود در مقایسه با متخصصان تعلیم و تربیت چندفرهنگی دارند.

کلید واژگان: آموزش چندفرهنگی، برنامه ی درسی، عناصر برنامه ی درسی، مولفین کتاب های درسی

۱۶. آموزه های نظریه پیچیدگی در نظام آموزشی و برنامه های درسی (برنامه درسی ملی): چالش

ها و فرصت ها

فاطمه نادری*، محسن آیتی

نشریه نامه آموزش عالی، سال دوازدهم شماره ۴۶ (تابستان ۱۳۹۸)، صص ۵۷-۸۸

هدف اصلی از اجرای این پژوهش، بررسی دلالت ها، چالش ها و فرصت های نظریه پیچیدگی برای برنامه های درسی (برنامه درسی ملی) بود. در این پژوهش از روش پژوهش کیفی «پژوهش نظریه ای» به عنوان روش پژوهش و از ابزار «بررسی مستندات» به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است. ویژگی های اصلی نظریه پیچیدگی شامل کل گرایی، علیت متقابل، واقعیت ذهنی، عدم قطعیت، خودتنظیمی، چندسویه نگری و غیر خطی بودن است. برنامه های درسی با توجه به سند برنامه درسی ملی دارای هفت عنصر مهم و اساسی از جمله دانش آموز، معلم، محتوا، یاددهی _ یادگیری، ارزشیابی، محیط یادگیری و مدیر مدرسه است. یافته های پژوهش نشان داد که با توجه به نظریه پیچیدگی تعدادی از ویژگی های این نظریه در عناصر هفت گانه برنامه درسی ملی وجود دارد؛ ولی هنوز تمامی دلالت های این نظریه را پوشش نمی دهد. یافته های مقاله نشان داد مواردی چون دوگانگی، از بین برنده قوانین، غیر ایستا بودن، غفلت از احترام و نداشتن نظم خطی، چند علیتی یا علیت چندگانه را می توان چالش های فرا روی برنامه های درسی تلقی کرد. فرصت های فرا روی برنامه های درسی را نیز می توان کل نگری و دیدگاه افزایشی، متناقض بودن و

پارادوکس، روابط متقابل علت و معلول، بنیادی و تدریجی، همکاری و ارتباط، تفکر خلاق و خودکاوگری دانست.

کلید واژگان: نظریه پیچیدگی، برنامه های درسی، برنامه درسی ملی، چالش ها، فرصت ها

۱۷ - بررسی جایگاه عناصر برنامه درسی در دیدگاه پست مدرن و نقد آن از دیدگاه مبانی

تعلیم و تربیت اسلامی

رضا وفایی، حسن ملکی، میکائیل علیپور

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پیاپی ۳۵ (تابستان ۱۳۹۶)، صص ۶۹-۹۰

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل ویژگی ها و عناصر برنامه درسی مبتنی بر نظریه پست مدرن و هم چنین نقد عناصر برنامه درسی آن با توجه به مبانی تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از روش تحلیلی استنادی صورت گرفته است. بررسی برنامه درسی پست مدرنیسم نشان داد که تعاملات پیچیده، تغییرات مداوم و چهارچوبهای کل گرایانه از ویژگی های این برنامه درسی است و آنان برنامه درسی را به لحاظ هدف، محتوا، روش و ارزشیابی متغیر می دانند. هم چنین نقد عناصر برنامه درسی پست مدرن از دیدگاه مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و برنامه درسی مبتنی بر آن نشان داد که در دیدگاه برنامه درسی پست مدرن به جای تاکید بر هویت منسجم برنامه درسی بر دگرگونی تاکید می شود. اهداف آموزش و برنامه درسی، نسبی و متغیر، و با توجه به اوضاع و موقعیت متغیر است. محتوای برنامه درسی پست مدرن ثابت نمی ماند بلکه ممکن است بسته به خواست فرد و عرف در نوسان باشد و هم چنین در این دیدگاه صرفا فعالیتهای یادگیری دانش آموز مهم تلقی، و معلم به عنوان عنصر تاثیرگذار در این فرایند به حاشیه رانده می شود و هیچ استاندارد مشخص و مدونی در ارزشیابی وجود ندارد.

کلید واژگان: نظریه های برنامه درسی، پست مدرنیسم، تعلیم و تربیت اسلامی، عناصر برنامه درسی

۱۸. تبیین مولفه های برنامه درسی معنوی با نگاهی به دیدگاه نادینگز

عرفانه قاسم پور، احمد ملکی پور*، صادق زارع صفت

نشریه پژوهش های کیفی در برنامه درسی، پیاپی ۳ (تابستان ۱۳۹۵)، صص ۲۷-۵۱

تربیت معنوی یکی از مهم ترین مسائل آموزشی و تربیتی می باشد. دستیابی به این هدف بزرگ در نهاد آموزش و پرورش، نیازمند نقشه ای است که در ادبیات علوم تربیتی، به آن برنامه درسی می گویند. شناسایی عناصر برنامه درسی معنوی، که هدف اصلی تحقیق می باشد، می تواند نیل به طراحی برنامه درسی جامع در زمینه تربیت معنوی را فراهم سازد. این عناصر شامل اهداف و آرمان، فرآیند یادگیری، نقش یادگیرنده، محیط و فضای یادگیری، نقش معلم، راهبرد تدریس و ارزشیابی می باشد. در نام گذاری عناصر، از دیدگاه میلر استفاده شده است. هرچند ممکن است با مراجعه به منابع بتوان به عناصر دیگری، که در برنامه درسی معنوی تاثیرگذار هستند، دست یافت، اما این پژوهش دنبال چنین هدفی نیست. این مقاله، با رویکردی توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، به بررسی و تبیین مولفه های برنامه درسی معنوی از منظر نل نادینگز یکی از صاحب نظران در حوزه معنویت پرداخته است.

کلید واژگان: مولفه، برنامه درسی، معنویت، برنامه درسی معنوی، نادینگز

۱۹. تبیین و تحلیل عناصر و مولفه های برنامه درسی عمل فکورانه (عمل گرای شوابی) براساس

منابع و اسناد معتبر علمی

جواد جهان، مرزبان ادیب منش، محمد پاک سرشت

نشریه پژوهش های کیفی در برنامه درسی، پیاپی ۶ (بهار ۱۳۹۶)، صص ۱-۴۲

این پژوهش با هدف شناسایی، تبیین و تحلیل عناصر و مولفه های برنامه درسی عمل فکورانه و تحلیل آن بر اساس منابع معتبر علمی انجام شده است. پژوهش در زمره پژوهش های کیفی و روش پژوهش شامل؛ تحلیل محتوای کمی و کیفی است. جامعه پژوهش، شامل کلیه ی اسناد و منابع معتبر علمی حوزه برنامه درسی عمل فکورانه و نمونه با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، از اسناد علمی چاپ شده در مجلات و ژورنال های معتبر داخلی و خارجی، در خصوص عمل فکورانه و دیدگاه عمل گرای شوابی انتخاب شد. جهت جمع آوری داده ها از چک لیست و یا همان فهرست وارسی، فرم فیش برداری و سیاهه تحلیل محتوا استفاده شد. یافته ها نشان می دهد که برنامه درسی عمل فکورانه دارای چهار عنصر اصلی اهداف آموزشی، محتوای آموزشی، روش های تدریس و ارزشیابی می باشد و هر یک از این عناصر مرکب از مولفه هایی است

که عنصر روش های تدریس با ۲۴ مولفه، عنصر اهداف با ۱۸ مولفه؛ عنصر ارزشیابی با ۱۶ مولفه؛ عنصر محتوا با ۸ مولفه، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار هستند. همچنین نتایج حاصله نشان می دهد که: حل مساله، پرورش خلاقیت، تخیل، هنر و زیبایی شناختی، ادراک، تامل، توجه به احساسات، مهارت و توسعه حرفه ای، خود ارزیابی و خودپنداری و درک صحیح از واقعیت از مهم ترین این مولفه ها می باشند. بر این اساس به کارگیری این مولفه ها در برنامه های درسی می تواند مسیر تحقق اهداف آموزشی را تسهیل نماید.

کلید واژگان: برنامه درسی، عناصر برنامه درسی، عمل فکورانه، تحلیل محتوا

۲۰. طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه ساز

مسعودمرادی، میرمحمد سیدکلان*، لیلا عیاری

فصلنامه پژوهش های مهدوی، پیاپی ۹ (تابستان ۱۳۹۳)، ص ۱۱۷

این نوشتار که از نوع تحقیق بنیادی و با روش کیفی انجام شده، در پی ارائه الگوی مطلوب برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه ساز با راهبردها و راهکارهای اجرایی آن برای نظام تعلیم و تربیت کشور است. جامعه آماری این پژوهش، تفکرات و اندیشه های نوین در عرصه تربیت معنوی و برنامه درسی است که در قالب کتب، اسناد، مقالات، مجلات، متون و سایت های اینترنتی درباره مهدویت مطرح شده اند. نگارنده با مراجعه به این جامعه آماری، نمونه های مرتبط را به صورت عمدی و هدف مند گزینش کرده و با بررسی، تلخیص، تحلیل محتوا و نتیجه گیری از آن ها، به معرفی مبانی نظری (فلسفی، روان شناختی و جامعه شناختی) این برنامه درسی و عناصر آن (اهداف، محتوا، روش ها، شیوه های ارزشیابی) مبادرت ورزیده است که نتیجه آن، ترسیم الگوی پیشنهادی در راستای تربیت زمینه ساز برای متخصصان امر با راهبردها و راهکارهای اجرایی آن است.

کلید واژگان: الگوی برنامه درسی معنوی، تربیت زمینه ساز، عناصر برنامه درسی، مهدویت

۲۱. برنامه درسی انسان گرایانه و تبیین عوامل اساسی آن از دیدگاه آموزه های اسلامی

سیده صدیقه عسگری*، سید ابراهیم میرشاه جعفری، فریدون شریفیان

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پیاپی ۲۸ (پاییز ۱۳۹۴)، صص ۷-۳۴

شناخت حقیقت انسان از گذشته تاکنون محور اساسی مطالعات بسیاری از اندیشمندان در فلسفه، عرفان و علوم-انسانی بوده است. تاثیر مبنایی انسان در نظریه پردازی و طراحی برنامه ها، منجر به شکل گیری مکتب انسان گرایی در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گردید و به فراخور آن، تعیین نیازهای فراگیران و تدوین برنامه هایی مبتنی بر ساختار وجودی آن ها، شناسایی انسان و معرفی جایگاه او در متن برنامه ی درسی نیز، اهمیت ویژه ای یافت. از سوی دیگر، جوامع اسلامی تحت تاثیر نگرش دین به نقش و جایگاه انسان در زندگی این جهانی، نگاهی متفاوت و عمیق تر به مقوله ی انسان و امکان تحقق عناصر وجودی وی کسب کردند.

هدف از این نوشتار، علاوه بر ایجاد ارتباط میان مفاهیم مکتب انسان گرایی و آموزه های اسلامی، بررسی تطبیقی اندیشه های انسان گرایان با دیدگاه های دین مبین اسلام است. از این رو، به معرفی فاکتورهای اساسی مطرح شده در دیدگاه انسان گرایی، شامل «استدلال»، «خودپنداره»، «مهارت های میان فردی»، «خودشکوفایی» و «همدلی، اصالت و احترام» از منظر تفکر اسلامی پرداخته است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و یافته ها نشان داد مکتب انسان گرایی، برای تحقق عوامل درونی انسان، تلاش به سزایی داشته است و تلفیق دستاورد های آن با تعالیم اسلامی به طرز چشم گیری بر غنای آن خواهد افزود.

کلید واژگان: برنامه درسی، انسانگرایی و اسلام، برنامه های درسی و آموزه های اسلام

۲۲. برنامه درسی اجراشده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام: حاکمیت توحید و اخلاق

سیدداود روحانی سراجی، مقصود امین خندقی*، سیدجواد قندیلی، محمدعلی رضائی کرمانی نسب پور

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پیاپی ۴۴ (پاییز ۱۳۹۸)، صص ۵۹-۸۶

برنامه درسی اجراشده، مجموعه اقدامات و فعالیت های فرایند یاددهی یادگیری است که بین مربی و متربی در محیط واقعی تربیتی به اجرا درمی آید. الگوگیری از شیوه های عملی امامان علیهم السلام در تعلیم و تربیت، به ویژه امام صادق علیه السلام در نقش سردمدار تربیت اسلامی ایدئال، برای رسیدن به برنامه درسی توحیدمحور و مبتنی بر آموزه های اصیل اسلامی ضرورت دارد. این پژوهش با استفاده از سه روش پژوهش تاریخی، تبیین گزاره ها و معکوس سازی، با بررسی جوامع حدیثی و سایر منابع تکمیلی و

همچنین شرح، تبیین و تفسیر آن احادیث در زندگی امام جعفر صادق علیه السلام و دیدگاه های تربیتی ایشان به طور عام و برنامه درسی اجرا شده ایشان به طور خاص را استخراج و آنها را از دو منظر تحلیلی و ترکیبی تبیین کرده است. از نگاه تحلیلی، ۱۶ مقوله در قالب عناصر چهارگانه هدف، محتوی، روش های یاددهی یادگیری و ارزشیابی در برنامه درسی اجرا شده امام صادق علیه السلام، نظیر جانشین سازی شاگردان مستعد در هدایت کلاس درس، ایجاد زمینه تحقیق و تفحص، اهمیت آزاداندیشی در تعلیم و تربیت، نظام ارزشیابی از شاگردان و جایگاه معلم و... شناسایی شده است. در نگاه ترکیبی، حاکمیت توحید و اخلاق در سراسر برنامه درسی اجرا شده در نظام تربیتی امام صادق علیه السلام تبیین شده است. الزامات حرکت نظام آموزشی به سمت الگوگیری از برنامه درسی اجرا شده امام صادق علیه السلام در پایان مطرح شده است.

کلید واژگان: برنامه درسی اجرا شده، نظام تربیتی، امام صادق علیه السلام، توحیدمحوری، اخلاق محوری، برنامه-درسی

۲۳. ویژگی های برنامه درسی با تاکید بر نظر علامه طباطبائی

مهديه کشانی، رضاعلی نوروژی

ماهنامه معرفت، سال بیستم شماره ۱ (پیاپی ۱۶۰، فروردین ۱۳۹۰)، ص ۱۶۱

هر نظام تعلیم و تربیت دارای عناصر و مولفه هایی است که کیفیت و کمیت آنها، بر پایه مبانی شناختی هر نظام مشخص می شود. یکی از این عناصر زیربنایی، برنامه درسی است که هدف گذاری آن بر پایه اصول فلسفی، علمی، جامعه شناختی و... صورت می گیرد. کارآمدی نهایی برنامه درسی هم از طریق صحت و استحکام مبانی شناختی آن، تامین می شود. از این رو، برنامه ریزان باید در رجوع خود به مولفه های معرفت شناختی، از جامعیت و صحت آنها مطمئن بوده و سپس جهت دهی محتوای برنامه را بر این اساس تنظیم نمایند.

هدف این مقاله، نگاهی به نظریات فلسفی و دینی علامه طباطبائی و برخورداری از رویکردی تحلیلی توصیفی، زمینه را برای تشکیل چنین زیربنای شناختی فراهم نماید تا از این طریق بتواند به برخی از سرفصل های مهم در زمینه برنامه درسی کارآمد دست یابد. با توجه به مطالعات انجام شده، می توان گفت چهار عنوان اصلی: مختصات و ویژگی های برنامه درسی، شعب علم، محتوای علم و آسیب شناسی علم با نگاه به نظریات علامه طباطبائی در این زمینه، مورد توجه می باشند که در مقاله به ویژگی ها و ضرورت های هر یک اشاره شده است.

کلید واژگان: ویژگی های برنامه درسی، برنامه درسی، علامه طباطبائی

۲۴. شناسایی و تبیین فرهنگ برنامه درسی بر اساس تفسیر تسنیم

ساره احمدی، حسن ملکی*، حمید پارسانیا، محسن آیتی، عباس عباسپور

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، پیاپی ۳۷ (زمستان ۱۳۹۶)، صص ۲۹-۵۵

این پژوهش با هدف «تبیین و شناسایی فرهنگ برنامه درسی در تفسیر تسنیم» انجام شد؛ بدین منظور، پیشینه نظری و پژوهشی فرهنگ برنامه درسی مورد مطالعه قرار گرفت و با توجه به هدف اصلی پژوهش، تفسیر تسنیم به عنوان جامعه تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت و با استفاده از پژوهش کیفی و از طریق تحلیل محتوای کیفی داده‌ها به استخراج ویژگی‌های عناصر فرهنگ برنامه درسی از تفسیر تسنیم پرداخته، و ویژگی‌های عناصر فرهنگ برنامه درسی شامل مفروضات بنیادی، برنامه ریزی، محیط، محتوا، ارزشیابی، معلم و یادگیرنده تعیین شد. نتایج پژوهش حاکی است که از دغدغه‌های اصلی این فرهنگ، رسیدن به غایت الهی است که همان شهود و معرفت است. نوع نگاه به یادگیرندگان در این فرهنگ، نگاه منحصر به فرد به هر یادگیرنده است. موضوعات درسی این فرهنگ در راستای رسیدن به اهداف و پاسخگویی به ابعاد وجودی انسان و برآمده از نیازهای جامعه است. و محتواهای تک بعدی که به قلمروهای مختلف وجودی انسان توجهی ندارد در دستور کار قرار نمی‌گیرد. مدافعان و پیروان این فرهنگ بهره‌گیری از منابع کل محیط با هدف ایجاد تعاملات و کنشها در جهت یادگیری را در برنامه کار خود قرار می‌دهند. قدرت در برنامه ریزی انحصاری نیست. طراحی برنامه درسی، فرایند است نه غایت و به نظر می‌رسد معلم، یادگیرنده، والدین، حتی اعضای اجتماع و مدیر همگی در خلق برنامه درسی نقش دارند. البته سهم همه یکسان نیست و تدوین برنامه درسی، گفتمانی وسیع و گسترده است.

کلید واژگان: فرهنگ برنامه درسی، نکات تربیتی تفسیر تسنیم، عناصر فرهنگ برنامه درسی، تعلیم و تربیت اسلامی

۲۵. مبانی و عناصر برنامه درسی مدارس والدورف آلمان

حسین قاسم پورمقدم

فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی، پیاپی ۵۴ (پاییز ۱۳۹۶)، صص ۱-۷

هدف محقق بررسی فلسفه آموزشی برنامه درسی مدارس والدورف است تا از این طریق، توصیه‌هایی برای برنامه ریزان درسی ایران ارائه شود. روش تحقیق توصیفی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها اسنادی است که در

کتابخانه دانشگاه مونیخ، مدرسه والدورف مونیخ و سایت های اینترنتی مرتبط در دسترس بوده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که برنامه درسی مدارس والدورف از چهار مولفه هدف، محتوا، روش و ارزشیابی به روشی خلاق و آزاد بهره گرفته است. بر اساس فلسفه آموزشی این مدارس به دلیل تفاوت های فردی، نمی توان همه را یکسان آموزش داد. آموزش باید همراه با عمل و تجربه باشد. کودکان باید مطالب آموختنی را با رغبت انتخاب کنند تا معلمان آنها را به دانش آموزان بیاموزند. برای یادگیری مطالب درسی، همه چیز در فضای باز و به شکل کار و بازی ارائه می شود. دانش آموزان مطالب را برای اخذ نمره یاد نمی گیرند. معلمان این مدارس، راهنما و مشاور کودکان هستند و تمام تلاششان بر این است که دانش آموزان، زندگی واقعی و بزرگسالی را تجربه کنند.

کلید واژگان: برنامه درسی، رادولف اشتاینر، عناصر برنامه، مبانی برنامه، مدرسه والدورف